

Imam al-Şādiq's Theoretical and Practical Approach to Divine Anthropomorphism and Corporalism¹

Hamidreza Shojaeifard², Mostafa Jafar-Tayyari³

Mohammad Hassan Mohammadi Mozaffar⁴

(Received on: 2022-6-18; Accepted on: 2022-11-7)

Abstract

A fundamental challenge of our time is the immense number of doctrinal skepticisms regarding divinity, promoted by deviant sects. A method that could be adopted to counter such skepticisms and deviations is Imam al-Şādiq's approach to doctrines like divine anthropomorphism (*tashbīh*) and corporealism (*tajsīm*). Drawing upon historical data and employing a descriptive-analytic method, this research seeks to answer the following question: What were Imam al-Şādiq's theoretical and practical approaches to divine anthropomorphism and corporealism? The Imam's responses to these deviations can be summarized as follows: (1) creating an intellectual movement in the society of that time, and (2) combating anthropomorphism and corporealism about God. In this theoretical movement, the Imam engaged in debates and addressed skepticisms to refute anthropomorphism, aiming to guide people to the correct understanding through intellectual exchanges. Subsequently, he dissociated from those who held deviant beliefs and declared them polytheists, actively opposing these erroneous doctrines.

Keywords: Imam al-Şādiq, divine anthropomorphism (*tashbīh*) and corporealism (*tajsīm*), denial of divine attributes (*ta'īl*), transmitted attributes (*al-şifāt al-khabariyya*), types of reason.

1. This article is derived from Hamidreza Shojaeifard, "Imam al-Şādiq's approach to divine anthropomorphism and corporatism," PhD diss., University of Religions and Denominations, 2022.

2. PhD student, Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author).
Email: shojaeifard@chmail.ir

3. Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
Email: mjd38@chmail.ir

4. Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
Email: mhmozaaffar@gmail.com

مواجهه فکری و عملی امام صادق (ع) با اندیشه تشبیه و تجسیم^۱

حمیدرضا شجاعی فرد^۲، مصطفی جعفرطیاری^۳، محمدحسن محمدی مظفر^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۶]

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی عصر حاضر، وجود حجم عظیمی از شبهه‌های اعتقادی در زمینه خداشناسی است که توسط فرقه‌های انحرافی ترویج می‌شود. روشی که می‌تواند در برابر چنین شبهه‌ها و فرقه‌های انحرافی الگو قرار گیرد، شیوه مواجهه امام صادق (ع) با چنین اندیشه‌هایی (تشبیهی و تجسیمی) است. این پژوهش بر اساس داده‌های تاریخی و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که «شیوه رویارویی فکری و عملی امام صادق (ع) در برابر اندیشه تشبیه و تجسیم چگونه بوده است؟». مجموعه اقدام‌های حضرت در دو عنوان خلاصه می‌شود: ۱. ایجاد جنبش فکری در جامعه آن روز؛ ۲. مبارزه با مشبهه و مجسمه. امام (ع) در این جنبش فکری با برپاکردن مناظرات و پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و همچنین بارد عقاید مشبهه در گفتگوهای علمی سعی در هدایت آنان داشتند. در مرحله بعد نیز با اعلام بیزاری از آنان و مشرک دانستن آنان گام دیگری در مسیر مبارزه با این اندیشه برداشتند.

کلیدواژه‌ها: امام صادق (ع)، تشبیه و تجسیم، تعطیل، صفات خبری، اقسام عقل.

-
۱. این مقاله برگرفته از: حمیدرضا شجاعی فرد، «مواجهه امام صادق (ع) با اندیشه تشبیه و تجسیم»، رساله دکتری، استاد راهنما: مصطفی جعفرطیاری، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۱، است.
 ۲. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) shojaeifard@chmail.ir
 ۳. استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Mjd38@chmail.ir
 ۴. استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Mhmzaffar@gmail.com

مقدمه

اهل بیت (ع) بر اساس اصول و قواعد برگرفته از قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص)، اخذ به ظواهر آیات صفات خبری را مستلزم تجسیم و تشبیه خداوند به مخلوقات و مانند کردن حضرت حق به آفریده هایش در ذات، صفات و افعال می دانند و آنها را با توجه به اصل تنزیه و حکم عقل، به تأویل^۱ و معنای خلاف ظاهر متن معنا می کنند. در باب صفات خبری نیز رویکرد کاملاً تنزیهی (منزه کردن خداوند از ویژگی های آفریده ها و هرآنچه از ساحت متعال او مبرا است) دارند و همواره آیات صفات را به گونه ای تفسیر می کنند که با این مبنای مهم منافات نداشته باشد؛ همچنین عقل نزد اهل بیت (ع) جایگاه والایی دارد و همواره در کنار قرآن و سنت از منابع مهم معرفت معرفی شده و در فهم و اثبات آموزه های مختلف دینی معتبر و حجت است. بر این اساس اهل بیت (ع) حمل صفات خبری بر ظاهر آنها را با حکم عقل و اصل تنزیه ناسازگار می دانند و بر ضرورت و لزوم تأویل ظواهر آیات صفات خبری تأکید کرده اند. همچنین در تفسیر صفات خبری به شیوه نفی و اثبات معتقدند؛ به این معنا که آنان پس از نفی تشبیه و تجسیم از خداوند، با استناد به روش های مختلف، صفات خبری را اثبات و تأویل می کنند؛ در این شیوه نه افراط معتزله دیده می شود و نه تفریط مفوضه. همچنین اهل بیت (ع) بسیاری از مستندات روایی ظاهرگرایان را انکار و آنها را تصحیح کرده اند. در این میان نقش امامان معصوم (ع)، به ویژه امام صادق (ع)، در روشننگری و تبیین جامع و دقیق این قبیل آیات برجسته و بی نظیر بوده است؛ چرا که آن حضرت همانند امامان دیگر، مستظهر به علم لدنی، تجلی نور الهی و معدن وحی است و باب معرفت خداوند محسوب می شود. در تفسیر قمی، ذیل آیه ۳۵ سوره «نور»^۲ در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «مشکات حضرت فاطمه (س)، مصباح امام حسن (ع) و زجاجه امام حسین (ع) است و نور علی نور امامی بعد از امام دیگر است» (قمی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۰۳).

احادیث مربوط به صفات خبری خداوند از مباحثی است که حجم قابل توجهی از اخبار و روایات نقل شده از امام صادق (ع) را به خود اختصاص داده است. آن حضرت در مواجهه با این دیدگاه انحرافی، ضمن رد هرگونه تشبیه و تجسیم خداوند، با بیان دقیق و شیوا و با استدلال و برهان عقلی و با ارجاع متشابهات به محک‌های^۲ معنای متناسب با ذات باری تعالی را ارائه می‌کند. مقاله حاضر درصدد تبیین مواجهه فکری و عملی امام صادق (ع) با اندیشه تشبیه و تجسیم است. از آنجا که بهترین راه برای مقابله با هر اندیشه انحرافی، به‌کارگیری ابزارهایی از جنس همان اندیشه است؛ امام صادق (ع) در مبارزه با این‌گونه اندیشه‌ها از ابزارهای فکری و عملی در رد عقاید و افکار آنان استفاده می‌کرد؛ از این‌رو فرضیه مقاله حاضر آن است که مواجهه امام صادق (ع) در برابر اندیشه تشبیه و تجسیم به گونه ایجاد جنبش فکری و مبارزه بوده است.

درباره مبارزه امام صادق (ع) با اندیشه‌های انحرافی مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله مقاله «چگونگی تقابل ائمه (ع) با جریان‌های غالیانه از آغاز تا دوره امام صادق (ع)» از مجید احمدی کجایی که در آن چگونگی تقابل ائمه (ع) با جریان‌های گوناگون و متنوع غالیان بازخوانی شده است.

مقاله و پژوهش مستقلی در خصوص مواجهه فکری و عملی امام صادق (ع) با تشبیه و تجسیم نوشته نشده است؛ از این‌رو مقاله حاضر این موضوع را با استفاده از روایات بررسی می‌کند.

پرسش‌ها و جنبه‌های مجهولی که مقاله درصدد پاسخ به آنها است، عبارت‌اند از:

۱. جنبش فکری امام صادق (ع) در قبال انحراف‌های توحیدی (اندیشه تشبیه و تجسیم) چگونه بوده است؟

۲. شیوه مبارزه امام صادق (ع) با اندیشه تشبیه و تجسیم چگونه بوده است؟

مقاله حاضر با ارائه مفهومی جامع از اندیشه تشبیه و تجسیم، مواجهه فکری و عملی امام صادق (ع) را بررسی و با استفاده از مطالب به‌دست آمده، به پرسش‌ها و جنبه‌های مجهول پاسخ مناسبی ارائه می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. صفات خبری

در قرآن کریم برای خداوند صفاتی مثل «ید، وجه، رجل، مجیء و استواء علی العرش» (بقره: ۱۱۵؛ مائده: ۶۴؛ هود: ۳۷؛ طه: ۵؛ الرحمن: ۲۷؛ فتح: ۱۰) بیان شده است که این صفات را صفات خبریه می‌گویند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵: ص ۹). آیاتی که این صفات در آنها ذکر شده رانیز آیات متشابه می‌گویند (فخر رازی، ۱۴۱۵: ص ۲۶۳). «صفات خبریه صفاتی هستند که برخی از متکلمان طبق ظاهر آیات قرآن به خدا نسبت داده‌اند؛ درحالی‌که تکیه‌گاه اثبات این صفات تنها ظاهر آیات قرآن و احادیث معصومین می‌باشد و عقل نسبت این دسته از صفات را به خدا نه تنها به طور معنادار اثبات نمی‌کند، بلکه نسبت آنها به خداوند را رد می‌کند» (سبحانی، ۱۳۸۶: ص ۶۷). بنابراین علت نام‌گذاری این دسته از صفات به خبری این است که اثبات آنها فقط از طریق خبردادن آیه یا حدیث است.

۲-۱. اندیشه تشبیه و تجسیم

تشبیه در لغت از ماده «شبه» به معنای مانند کردن چیزی به چیز دیگر است (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۶، ص ۲۱۳). در اصطلاح نیز به دو معنا به کار می‌رود: همانند کردن خداوند در ذات یا صفات یا افعال به انسان و اسناد ویژگی‌های مخلوقات به خداوند (بغدادی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۴) و دیگری همانند کردن انسان به خداوند که از آن به «غلو» تعبیر می‌شود. اصطلاح تشبیه در مقابل تنزیه است (خاتمی، ۱۳۷۰: ص ۸۳؛ اشعری، ۱۴۰۰: ص ۵۲۱). می‌توان تشبیه را این‌گونه تقسیم کرد:

الف) تشبیه ذات خداوند متعال به مخلوق؛

ب) تشبیه صفات خداوند متعال به مخلوق: در این قسمت برخی صفات مخلوقات مانند خنده، رفت‌وآمد و نشست و برخاست را به خداوند نسبت می‌دهند که مستلزم تجسیم است؛
ج) تشبیه انسان به خداوند متعال: برخی در مواجهه با انسان‌های بزرگ، ایشان را به صفات الهی

متصف می‌کنند یا همانند خداوند می‌دانند که در اصطلاح به این گروه غالیان گفته می‌شود (صابری، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۸۵).

تجسیم از ماده «جسم» به معنای تنومند کردن و جسم‌انگاشتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۶۱۴). طرفداران این دیدگاه معتقدند خداوند جسم است و نهایت و حد دارد؛ به گونه‌ای که برای خداوند اعضا و جوارح قائل هستند. از آنجاکه مصادیق اندیشه تجسیم مانند تشبیه است و در علم فرقه‌شناسی، کسانی که برای خداوند مادیت قائل اند را اهل تجسیم خوانده‌اند، می‌توان هر دو اندیشه را یکی دانست.

گروهی از فرقه‌های اسلامی در توحید قائل به تشبیه و تجسیم شدند؛ از این رو به عموم فرقی که در توحید به جسم‌انگاری خداوند یا تشبیه قائل شدند، با صرف نظر از نام آن فرقه، مجسمه یا مشبیه می‌گویند (مشکور، ۱۳۸۷: ص ۳۹۱ - ۴۱۲). این مسئله نشان می‌دهد تجسیم و تشبیه به فرقه خاصی تعلق ندارد، بلکه اندیشه‌ای است که در فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی مختلفی یافت می‌شود.

۳-۱. تفاوت تشبیه و تجسیم

با تأمل در هر کدام از عقاید تشبیه و تجسیم می‌توان گفت اندیشه تشبیه همان اندیشه تجسیم است؛ زیرا تشبیه هرگونه مانند کردن خداوند به مخلوقات را دربر می‌گیرد و تجسیم چنان‌که مطرح شد، جسم‌انگاشتن خداوند است؛ اما با در نظر گرفتن قسم سوم تشبیه، یعنی تشبیه مخلوق به خالق، تجسیم اخص از تشبیه می‌شود. به عبارت دیگر، بین این دو نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ بنابراین با صرف نظر از غلو و تشبیه مخلوق به خالق، اگر بخواهیم این دو اندیشه را در کنار هم مقایسه کنیم، نسبت تساوی خواهند داشت که البته هر لفظ ناظر به بخشی از معناست. به نظر نگارندگان، به همین دلیل در بیشتر کتاب‌ها و

مقالات، این دو واژه (تشبیه و تجسیم) را در کنار هم به کار می‌برند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۲۱۲؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۰۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۱۸۱؛ قفاری، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۶۵۲؛ بیهقی، ۱۴۲۶: ص ۸).

۱-۴. تعطیل

تعطیل در لغت به معنای خالی شدن از زینت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۴۵۴: ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۹؛ طریحی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۴۲۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۲۵۷) و در معنای خالی شدن از هر چیز هم به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۴۵۴). به این ترتیب، تعطیل به معنای خالی کردن و رها کردن (تفریغ) است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۷۲؛ زمخشری، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۷۰۷؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۴، ص ۴۴۸). در بحث خداشناسی و توحید اگر تشبیه را افراط در شناخت خدا بدانیم که اوصاف باری تعالی را در حد مخلوقات تنزل داده است، تعطیل نقطه مقابل آن و تفریط در شناخت خداست. صاحبان این تفکر شناخت صفات پروردگار را رها می‌کنند و انسان را عاجز از درک آن می‌دانند که به نفی خدای متعال منتهی می‌شود؛ از این رو در روایات از تعطیل به نفی و بطلان نیز تعبیر شده است (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ص ۸۱-۸۲، ۱۰۷، ۲۲۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۰۰). امام صادق (ع) در پاسخ به عبدالرحیم القصیر و در مقام بیان مذهب توحیدی صحیح فرمود: «إِنَّ الْمَذْهَبَ الصَّحِيحَ فِي التَّوْحِيدِ مَا نَزَلَ بِهِ الْقُرْآنُ مِنْ صِفَاتِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ فَانْفِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى الْبُطْلَانَ وَ التَّشْبِيهَ: مذهب حق در توحید همان است که در قرآن از صفات خدای عزوجل آمده است؛ پس تشبیه و تعطیل را از خدا نفی کن» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۰۰).

بنابراین همان طور که باید از تشبیه دوری کرد، باید از تعطیل و رها کردن شناخت صفات خدا نیز تبری جست تا به توحید حقیقی دست یافت.

۲. مواجهه فکری و عملی امام صادق (ع) با اندیشه تشبیه و تجسیم

از آنجاکه هدف غایی خلقت جن و انس، عبادت خداست و عبادت جز با شناخت خدا امکان پذیر نیست، درمی یابیم عقیده صحیح توحیدی مبنای همه اعمال و مناسک اسلامی است؛ از این رو امام صادق (ع) در مواجهه با افکار تشبیهی و تجسیمی که عقیده به توحید را دچار مشکل می کرد، مجموعه ای از اقدام ها را انجام داد که در ادامه مطرح می کنیم.

۲-۱. ایجاد جنبش علمی

بهترین راه برای مقابله با انحراف های فکری، ایجاد جنبش های علمی مانند مناظره و پاسخ گویی به شبهات ورد عقاید و افکار انحرافی است؛ زیرا از این راه ها بهتر می توان افراد دارای انحراف های فکری را اقناع کرد. مروری بر سیره ائمه معصوم (ع)، به ویژه امام صادق (ع)، نشان می دهد حضرت (ع) برای مقابله با انحراف های توحیدی به ویژه تشبیه و تجسیم، از شیوه های مناظره و پاسخ گویی به شبهات ورد عقاید استفاده می کرد.

۲-۱-۱. مناظره

یکی از برترین وسایل تبلیغی هر گروه در زمان امام صادق (ع)، تشکیل محافل علمی و مناظره میان جمعی از هواداران یک فکر خاص و دانشمندان یک مکتب بود تا سرانجام فردی که از پاسخ دادن به پرسش طرف مقابل عاجز می شد، در برابر گروهی از مردم به ناتوانی خود در استدلال اعتراف کند و تسلیم شود. این مناظرات ترکیبی از بحث های تفسیری، روایی، کلامی و فلسفی بود که به شیوه برهان و جدل منطقی برگزار می شد. امام صادق (ع) در مناظره با زندق مصری و در پاسخ به پرسش او که «چرا خداوند قابل رؤیت نیست؟»، از تمثیل ساختمان استفاده کرد. ایشان برای رد نظر زندق مصری (اهل تجسیم و تشبیه) فرمود: «وقتی به ساختمانی بلند نگاه می کنی، در اولین مرتبه پی به سازنده آن،

هرچند او را ندیده باشی، نمی‌بری؟». زندیق مصری از پاسخ دادن عاجز ماند. او در ادامه مناظره، آیه ۵ سوره «طه»: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» را برای اثبات جسمانیت خداوند خواند که امام (ع) در پاسخ فرمود: «خداوند با این آیه خویش را توصیف کرده است. خداوند بر عرش استیلا دارد - و این استیلا متفاوت با خلقش است - بدون آنکه عرش محلی برای او باشد، بلکه می‌گوییم او خود حامل و نگه‌دارنده عرش است و در اثبات این حرف قول خداوند را می‌گوییم که فرمود: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ: کرسی او آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است» (بقره: ۲۵۵). به این ترتیب آنچه خداوند از عرش و کرسی اثبات کرده را ثابت کرده‌ایم و نیز نفی کرده‌ایم که عرش و کرسی در بردارنده خدا باشد یا خدا محتاج به مکان یا چیزی از آفریده‌های خود باشد، بلکه همه خلق محتاج او هستند».

امام صادق (ع) متناسب با استدلال مخاطب استدلال می‌آورد؛ آنجا که مخاطب به قرآن استدلال می‌کرد، ایشان از قرآن پاسخ می‌داد و آنجا که مخاطب با مثال دلیل می‌آورد، ایشان پاسخی با مثال مشابه می‌داد (طبرسی، ۱۳۸۱: ص ۱۹۴). این گونه مناظره امام (ع) بیان‌کننده آن است که حضرت به جای بحث و استدلال‌های پیچیده، اهل تشبیه و تجسیم را با روش مناظره علمی به عجز می‌کشاند. امام (ع) با پرسش‌هایی که از آنان می‌کرد، آنان را متقاعد و به جهل خودشان آگاه می‌نمود. ایشان در مناظرات از استدلال‌های عقلی استوار برای آسیب‌پذیر کردن ادعاهای طرف مقابل استفاده می‌کرد؛ به عبارت دیگر، در ارائه استدلال‌های خود برای قانع کردن طرف مقابل تدریج داشت؛ به این ترتیب که پس از مقدمه چینی، شخص را از مرحله انکار به مرحله شک می‌رساند. در مقابل همین منطق بود که ماتریالیست‌های سرسخت معاصر ائمه (ع) اظهار عجز می‌کردند و سر تسلیم فرود می‌آوردند. ابن ابی العوجاء درباره امام صادق (ع) گفته است: «اورا ملکی دیدم که هرگاه بخواهد متجسم و متجسد می‌شود... به اندازه‌ای آثار قدرت خدا را که من در خود می‌یافتم بیان کرد که نزدیک بود خدا را به من نشان دهد. با هر که سخن گفتم، مرعوب نشدم، چنان‌که در محضر وی مرعوب شدم» (حسن ابراهیم، ۱۳۸۹: ص ۲۹۶).

در مناظره‌ای امام صادق (ع) از ابن ابی العوجاء می‌پرسد: «اگر مصنوع بودی، چگونه بودی؟» وی نمی‌تواند پاسخی بدهد (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۴۴)؛ بنابراین چون نیازمندی ممکن الوجود و مصنوع به علت و صانع - به حکم وجدان - یا به قول حکما و متکلمان - به حکم اصل تعلیل ممکن یا حادث - مسلم بوده است، حتی ماتریالیست‌ها هم به این اصل اعتراف داشته‌اند که اگر مصنوع بودن موجودی ثابت شد، در وجود صانع تردید نیست. امام با این بیان می‌توانست ابن ابی العوجاء را وادار به اعتراف به مصنوع بودن خود کند که در مرحله اول ابن ابی العوجاء این معنا را انکار کرد؛ اما امام با پرسش دوم راه انکار را بر او بست. وی چون از طرفی قدرت انکار نداشت و از طرف دیگر هم نمی‌خواست به صراحت اعتراف کند، ناچار سکوت اختیار کرد و از میدان مناظره شکست خورده بیرون رفت.

امام صادق (ع) در مناظرات با مشبهه و مجسمه تبیینی صحیح از صفات خداوند ارائه می‌کرد که هم از بند تجسیم رهاشده شود و هم از تعطیل فاصله بگیرد. روایات اهل بیت (ع) به طور متواتر بر نفی رؤیت خداوند با چشم دلالت دارند. تمام امامیه نیز بر این باورند. در این مکتب، توحید افضل اعمال و تشبیه خالق بزرگ‌ترین گناه به شمار می‌آید (شیخ طوسی، ۱۳۸۴: ص ۶۸۷). امام صادق (ع) در گفتگو با یک زندیق، سخنی به این مضمون دارد: «خداوند جسم نیست و با حواس پنج‌گانه درک نمی‌شود و زمان‌ها او را تغییر نمی‌دهد. شنواست، ولی عضوی برای شنوایی ندارد و بیناست، ولی با نفس خود می‌بیند، نه با وسیله بینایی و نفس هم جدای از او نیست. از طرف دیگر، ما در مورد خداوند به قدر توان و قدرت فهم خود مکلفیم. درست است که هر آنچه از صفات خداوند تصور کنیم، مخلوق است و نه خالق؛ اما نمی‌توان تصور خالق را محال دانست؛ چه آنکه اگر به این دلیل خدا را توصیف نکنیم، باعث می‌شود که توحید از ما رفع شود و دچار نفی و ابطال شویم؛ بنابراین خداوند را در میانه تشبیه و تعطیل توصیف می‌کنیم» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۸۵).

ردیه‌های آن حضرت بر تشبیه را می‌توان به نوعی رد بر عقاید غلات (که بخشی از مشبهه به حساب می‌آیند) دانست؛ زیرا غلات به الوهیت ائمه قائل بودند که به نوعی حلول خدا در جسم و محدودیت ذات پروردگار است.

با توجه به برگزاری مناظرات متعدد امام صادق (ع) با اهل تشبیه و تجسیم، می‌توان گفت امام صادق (ع) از مناظره در قالب یک جنبش فکری استفاده می‌کرد. درواقع امام صادق (ع) نهضتی فکری را بنیان‌گذاری کرد که با آن به تعلیم معارف اسلامی و مبارزه با اندیشه تشبیه و تجسیم قیام کرد.

۲-۱-۲. پاسخ به شبهات و جلوگیری از تحریف اعتقادات

در قرن اول و دوم هجری که مسلمانان به فتوحات مختلفی دست یافتند، شبهات و افکار منحرف سرزمین‌های فتح‌شده میان مسلمانان گسترش یافت و اهل تشبیه فعالیت خود را آغاز کردند. امام صادق (ع) و شاگردانش نقش کارسازی در این‌گونه مواجهه‌های فکری داشتند.

روایات متعددی از امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌های تشبیهی و تجسیمی نقل شده است که بیان‌کننده گسترش چنین شبهاتی در جامعه آن روز و قیام علمی امام صادق (ع) برای مقابله با آن از طریق پاسخ‌گویی متقن و مستدل است. یکی از شیعیان امام صادق (ع) به نام هشام نقل می‌کند: روزی در محضر امام صادق (ع) بودم که معاویه بن وهب و عبدالملک بن اعین به نزد ایشان آمدند. معاویه گفت: ای فرزند رسول خدا، در مورد مطلبی از رسول اکرم (ص) که آمده ایشان خدا را دیده است، نظرتان چیست و ایشان به چه صورتی خداوند را دیده است؟ همچنین خبر دیگری که بهشتیان در جنت نعیم خداوند را مشاهده می‌کنند، مشاهده ایشان به چه شکلی است؟ امام صادق (ع) لبخند تلخی زد و فرمود: «ای معاویه بن وهب، چقدر زشت است که انسان هفتاد - هشتاد سال عمر کند، در مُلک خدا زندگی کند و نعمت او را بخورد؛ اما او را درست نشناسد.

ای معاویه، پیامبر (ص) هرگز خداوند را با این چشم مشاهده نکرد. مشاهده بر دو گونه است: مشاهده با چشم دل و مشاهده با چشم ظاهر. هرکس مشاهده با چشم دل را بگوید، درست گفته و هرکس مشاهده با چشم ظاهر را بگوید، دروغ گفته و به خدا و آیات او کافر شده است؛ زیرا پیامبر (ص) فرمود: هرکس خدا را شبیه خلق بداند، کافر است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶، ص ۴۰۶).

در روایت دیگری اسماعیل بن فضل چنین نقل کرده است: از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا خدا در قیامت دیده می‌شود؟ فرمود: «منزه است خداوند از چنین چیزی و بسیار منزه است ... چشم‌ها نمی‌بیند جز چیزهایی را که رنگ و کیفیتی دارند، درحالی که خداوند آفریننده رنگ‌ها و کیفیت‌هاست»^۴ (حویزی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۷۵۳).

محمد بن مسلم نقل می‌کند امام صادق (ع) به من فرمود: «ای محمد، همانا مردم همواره درباره هر چیزی حرف می‌زنند [نظر می‌دهند] تا اینکه در مورد خدا سخن می‌گویند [تشبیهی]؛ هرگاه چنین سخنی شنیدید، بگویید خدایی جز خدای یگانه نیست، همان که چیزی مانند او نیست [اشاره به آیه ۱۱ سوره مبارکه شوری]»^۵ (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ص ۴۵۶).

این حدیث نشان می‌دهد حضرت افزون بر مواجهه با مشبیه و مجسمه، به یاران خود نیز بی‌پایه بودن افکار تشبیهی را گوشزد می‌کرد و از آیات صریح قرآن برای اثبات آن بهره می‌گرفت و ایشان را به تکرار تهلیل و اقرار به توحید دعوت می‌کرد. گویا شنیدن کلام شرک‌آمیز مشبیه‌ایمان‌آنان به توحید را آلوده می‌کرد؛ از این رو حضرت به این شیوه از تحریف اعتقادات یاران خویش و دیگر مسلمانان جلوگیری می‌کرد و زشتی باور به تشبیه را به آنان یادآوری می‌نمود.

با تأمل در موارد پیش گفته می‌توان دریافت حضرت هنگام پاسخ به شبهات، بطلان عقاید اهل تشبیه و مجسمه را اثبات می‌کرد و درک و شناختی صحیح از توحید و صفات الهی ارائه می‌فرمود. امام صادق (ع) از این فرصت (پاسخ به شبهات اهل تشبیه و تجسیم) برای نشر معارف حقیقی و مقابله با عقاید تشبیهی استفاده می‌کرد.

۲-۳. رد عقاید و افکار تشبیهی و تجسمی

رد عقاید و افکار تشبیهی و تجسمی نوعی دیگر از مصادیق جنبش علمی است. امام صادق (ع) برای مبارزه با افکار و عقاید تشبیهی و تجسمی عقاید آنان را رد می‌کرد و با محکوم کردن آن، یک حرکت فکری مناسب را برای تصحیح اعتقادات اهل تشبیه و تجسیم به کار می‌برد.

آن حضرت در مقام نفی و رد گمانه تشبیه، به بعضی از اصحاب خود که درباره برترین اعمال پرسیده بودند، فرمود: «تَوْحِيدُكَ لِرَبِّكَ: اینکه پروردگارت را به یگانگی و توحید بشناسی». سپس آن شخص درباره عظیم‌ترین گناه پرسید و امام فرمود: «تَشْبِيْهُكَ لِخَالِقِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۲۸۷). چنان‌که مشخص است، شخص پرسنده نه شبهه تشبیه داشت و نه برای مناظره آمده بود، بلکه از یاران آن حضرت بود و درباره بهترین و بدترین اعمال پرسید؛ اما امام به اقتضای مقام هدایت‌کنندگی خویش از این فرصت برای رد گمانه تشبیه استفاده کرد.

با این واکنش امام صادق (ع) در قبال گمانه تشبیه، می‌توان دریافت حضرت از هیچ کوششی برای رد عقاید و افکار تشبیهی و تجسمی دریغ نمی‌کرد. ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «هرکس خداوند را به مخلوقاتش مانند کند، مشرک است؛ زیرا خداوند سبحان به هیچ چیزی شبیه نیست و هرچه در وهم انسان درباره خداوند وارد شود، خدا نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۲۹۹). ابوبصیر از امام (ع) می‌پرسد: «مؤمنان در قیامت چگونه خداوند را رؤیت می‌کنند؟». آن حضرت رؤیت به قلب را مطرح و رؤیت به چشم سر را رد می‌کند (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ص ۱۱۷). برخی دیگر دیده شدن خدا در خواب را مطرح می‌کردند که امام این ادعا و امکان را نیز مردود می‌داند (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ص ۶۱۰). با توجه به روایت‌های مذکور می‌توان گفت امام صادق (ع) در صدد رد اندیشه تشبیه و تجسیم با روش‌های گوناگون بوده است.

۲-۲. مبارزه عملی

مبارزه عملی در بحث انحراف‌های توحیدی (تشبیه و تجسیم) که شامل اعلام بیزاری و مشرک‌دانستن طرفداران چنین عقایدی است، آخرین مرحله برخورد امام صادق (ع) با انحراف‌های توحیدی بوده است که در پی می‌آید.

۲-۲-۱. اعلام بیزاری از اندیشه تشبیه و تجسیم

موضع امام صادق (ع) در برابر صاحبان اندیشه‌های انحرافی و فعالیت‌های آنها بسیار استوار و قاطع بود. آن حضرت به سدید فرمود: «ای سدید، تمام اعضا و جوارح من از این گروه بیزاری می‌جوید. خدا و پیامبرش نیز از ایشان بیزار باد. اینان بر دین من و پدران من نیستند. به خدا سوگند که در روز قیامت که خداوند میان من و آنان جمع کند، بر آنها خشمگین است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۶۹).

میسره می‌گوید نزد امام صادق (ع) از ابوالخطاب (از صاحبان اندیشه تشبیه و تجسیم) حرفی به میان آوردم. امام صادق (ع) انگشت مبارک‌شان را به سمت آسمان بلند کرد و فرمود: «لعنت خداوند و ملائکه و تمام انسان‌ها بر او باد. خدای متعال را گواه می‌گیرم که وی کافر، فاسق و مشرک است و در روز جزا با فرعون محشور می‌شود و شب و روز به شدیدترین عذاب دچار خواهد بود». سپس فرمود: «به خدا سوگند، به خدا سوگند که من برتر از آنم که این دوزخیان گرداگرد من باشند» (کشی، ۱۳۶۳: ص ۲۶۹).

عیسی بن ابی منصور نیز می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: «خداوند، ابوالخطاب را لعنت کن که او در همه احوال، حتی در میان بستر، باعث نگرانی من شده است. خداوند داغی آهن را به او بچشان» (شیخ طوسی، ۱۳۸۴: ص ۲۹۰).

روایات مذکور نشان می‌دهند امام صادق (ع) در برابر صاحبان چنین اندیشه‌هایی واکنش جدی داشت و از ایشان بیزاری می‌جست تا توطئه‌های شوم ایشان را خنثی کند.

در روایتی از کُشی آمده است: امام صادق (ع) در حدیث دیگری به مرازم فرمود: «به غالیان بگو با توبه به سوی خدا بازگردید که شما کافر، فاسق و مشرک هستید». باز به مرازم فرمود: «چون به کوفه رفتی، به نزد بشار شعیری برو و به او بگو جعفر بن محمد به تو می‌گوید: ای کافر، ای فاسق، ای مشرک، من از تو بیزارم». مرازم گوید چون داخل کوفه شدم، به بشار گفتم: «جعفر بن محمد (ع) به تو گفته است: ای کافر، ای فاسق، ای مشرک، من از تو بیزارم». بشار گفت: مولایم نامی از من برد؟ گفتم: آری، از تو این‌گونه یاد کرد. گفت: خداوند تو را جزای خیر دهد (کُشی، ۱۳۶۳: ص ۳۹۸؛ اسد، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۷۵).

لجاجت بشار شعیری به اندازه‌ای بود که پس از شنیدن پیام امام صادق (ع) بار دیگر برای مجادله به نزد امام رفت. وقتی بر امام صادق (ع) وارد شد، امام (ع) فرمود: «خدای متعال تو را لعنت کند. دور شو، به خدای متعال قسم که هرگز من و تو در زیر یک سقف مشترک قرار نخواهیم گرفت». بشار با شنیدن این سخنان از نزد امام بیرون رفت. امام صادق (ع) فرمود: «لعنت بر او که پروردگار متعال هیچ موجودی را به قدر او خوار و خفیف نکرده است. او شیطانی است که قصد گمراه کردن شیعیان من را دارد. از او دوری کنید و حاضران به غایبان این مهم را برسانند که من برخلاف گفته‌های او، بنده خدا هستم و روزی از دنیا خواهم رفت و پس از مرگ، در روز رستاخیز مورد بازخواست و سؤال خداوند قرار خواهم گرفت» (کُشی، ۱۳۶۳: ص ۴۰۰؛ اسد، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۳۵).

با تأمل در روایات پیش‌گفته می‌توان دریافت امام صادق (ع) از صاحبان اندیشه تشبیه و تجسیم بی‌زاری می‌جست. این شیوه افزون بر اعلام انزجار از فرقه‌های انحرافی از جمله اهل تشبیه و تجسیم، نوعی تلاش در حفظ اعتقادات مسلمانان نیز به شمار می‌آید.

۲-۲-۲. مشرک دانستن اهل تشبیه و تجسیم

برخی از صفات بیان شده در آیات قرآن کریم برای پروردگار متعال، صفات تشبیهی است؛ یعنی پروردگار متعال از ابعاد گوناگون و در ظاهر برای فهم بشر به صفات انسانی تشبیه شده

است؛ صفاتی چون رضا، خشنودی، خشم، اسف، نسیان، مکر و استهزا. روشن است که به کارگیری این گونه صفات برای خداوند مجازی است و حقیقت داشتن این صفات در مورد خداوند متعال، محال و ممتنع است. امامان معصوم (ع)، به ویژه امام صادق (ع)، در برخورد با این صفات خبری و آیات تشبیهی در صدد اثبات صفات برای خداوند برآمده اند؛ اما تبیین صفات از ناحیه معصومان (ع) به گونه ای بود که فضای تشبیه و مشکلات تشبیه و تجسیم را به دنبال نداشته است. به عبارت دیگر، در این نوع توصیف، ائمه (ع) نه نافی صفات خدا بوده اند و نه صفات را به مخلوقات تشبیه کرده اند.

امام (ع) در آخرین مرحله از مبارزه با مشبهه و مجسمه، آنان را مشرک محض و خارج از دایره اسلام معرفی کرد؛ به گونه ای که احکام مسلمان را از آنان نفی و مسلمانان را از خوردن ذبیحه آنان و قبول شهادت شان نهی کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ص ۴۰۳). روشن است که اقدام حضرت افزون بر تضعیف پایگاه اجتماعی مشبهه و مجسمه، زشتی و بطلان این عقیده را آشکار کرد.

امام صادق (ع) در روایتی دیدگاه تشبیه را همسان با شرک معرفی کرده است: «مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ تَعَالَى بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ: هرکس خدا را به خلق او تشبیه کند، مشرک است و هرکه نسبت دهد به خدا آنچه را نهی شده، کافر است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۶: ص ۱۷۳).

روایات مذکور بیان کننده آن هستند که مشرک دانستن اهل تشبیه و تجسیم آخرین مرحله رویکرد عملی امام صادق (ع) در قبال اهل تشبیه و تجسیم بوده است. مراحل قبلی (مثل اعلام بیزاری) مقدمه ای برای این مرحله بوده است؛ زیرا امام صادق (ع) احتمال می داد با اعلام بیزاری آنان اندیشه خود را اصلاح کنند؛ ولی با این مرحله (مشرک دانستن) اثبات می شود که مشبهه و مجسمه بر عقاید خود پایبند بودند و بر آن اصرار ورزیدند و به همین دلیل امام صادق (ع) آنان را مشرک خواند.

نتیجه

در اندیشه توحیدی امام صادق (ع)، دیدگاه افراط‌گرایانه تشبیه و تجسیم مردود دانسته شده و راه میانه‌ای مطرح شده است؛ یعنی خداوند با این وجود که وصف می‌شود، از هرگونه تشبیهی به مخلوقات خود نیز منزّه است؛ از این رو «تنزیه خداوند از تشبیه و تجسیم» از اصول خلل‌ناپذیر آن امام همام است. با بررسی سیره آن حضرت (ع) می‌توان دریافت که مواجهه فکری و عملی ایشان با ایجاد جنبش‌های علمی و مبارزه بود. مناظره، پاسخ‌گویی به شبهات و جلوگیری از تحریف اعتقادات، رد عقاید و افکار تشبیهی و تجسیمی از ابزارهای جنبش‌های فکری بود که امام صادق (ع) برای مبارزه با اندیشه تشبیه و تجسیم به کار می‌بست. درواقع آن حضرت در مرحله اول مواجهه، سعی در مجاب‌کردن و ارائه راه درست به آنان داشت و در مراحل بعد، در صورت قانع‌نشدن آنان، به مبارزه که در سیره آن حضرت با اعلام‌بیزاری و مشرک‌دانستن اهل تشبیه و تجسیم مشهود است، متوسل شده است. حضرت (ع) با استناد به دلایل عقلی و نقلی، رؤیت حسی خداوند و قائل‌شدن اعضا برای او را به طور مطلق، چه در دنیا و چه در آخرت، مردود می‌دانست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. علامه طباطبایی درباره تأویل می‌گوید: «تأویل برای همه آیات قرآن، چه محکّمات و چه متشابهات، وجود دارد و از قبیل مفاهیم و معانی نیست که الفاظ بر آن دلالت داشته باشد، بلکه تأویل از امور عینی است و فراتر از آن است که قالب‌های الفاظ آن را فراگیرد. خداوند آن امور و حقایق عینی را فقط برای تقریب به اذهان ما به قید الفاظ و کلمات و عبارات مقید نموده است. این الفاظ همانند مثل‌هایی هستند که با آوردن آنها انسان به معنای مورد نظر نزدیک می‌شود. قرآن در تمام موارد استعمال لفظ تأویل، همان واقعیت عینی خارجی را در نظر گرفته است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۴۴).

۲. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيُّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».
۳. آیات قرآن به دو دسته تقسیم می‌شوند: محکم و متشابه. محکم به آیاتی گفته می‌شود که معنایشان به قدری روشن است که نمی‌توان معنای دیگری برای آنها در نظر گرفت و متشابه آیه‌ای است که احتمالات مختلفی برای معنای ظاهری آن وجود دارد.
۴. «عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِثْمَمِيِّ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ (ع) عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى هَلْ يَرَى فِي الْمَعَادِ؟ فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا، يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ الْأَبْصَارَ لَا تُدْرِكُ إِلَّا مَا لَهُ لُؤْنٌ وَكَيْفِيَّةٌ وَاللَّهُ خَالِقُ الْأَلْوَانِ وَالكَيْفِيَّةِ».
۵. «يَا مُحَمَّدُ إِنَّ النَّاسَ لَا يَزَالُ بِهِمْ الْمَنْطِقُ حَتَّى يَتَكَلَّمُوا فِي اللَّهِ فَإِذَا سَمِعْتُمْ ذَلِكَ فَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ».

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ ق)؛ الکامل فی التاریخ؛ ج اول، بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۱۸ ق)؛ المنتظم من تاریخ الملوک و الامم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
- اسد، حیدر (۱۳۷۸ ش)؛ الامام الصادق (ع) و المذاهب الاربعه؛ ج چهارم، تهران: کتابخانه صدر.
- اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰ ق)؛ مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین؛ آلمان: نشر فرانس شتاینر.
- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد (۱۳۸۸ ش)؛ الفرق بین الفرق؛ قم: نشر اشراقی.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۲۶ ق)؛ الاسماء و الصفات؛ بیروت: نشر دار الجیل.

جمعی از نویسندگان (۱۴۱۵ ق)؛ شرح مصطلحات کلامیه؛ مشهد: آستان قدس رضوی.
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)؛ الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة؛ بیروت: دار العلم للملایین.

حسن ابراهیم، حسن (۱۳۸۹ ش)؛ تاریخ سیاسی اسلام؛ چ چهارم، تهران: نشر جاویدان اسلام.
حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۷۰ ش)؛ تفسیر نور الثقلین؛ تحقیق و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خاتمی، احمد (۱۳۷۰ ش)؛ فرهنگ علم کلام؛ تهران: نشر صبا.
خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق)؛ تاریخ بغداد؛ تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ق)؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دار القلم.
زمخشری، جارالله (۱۳۶۹ ش)؛ ربیع الابرار؛ قم: افست.
سبحانی، جعفر (۱۳۸۶ ش)، سیمای عقاید شیعه؛ قم: نشر مشعر.
شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴ ش)؛ الملل والنحل؛ تحقیق: بدران محمد؛ چ سوم، قم: الشریف الرضی.

شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین قم.
_____ (۱۴۱۶ ق)؛ التوحید؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۴ ش)؛ اختیار معرفة الرجال؛ مشهد: نشر دانشگاه مشهد.
صابری، حسین (۱۳۹۵)؛ تاریخ فرق اسلامی؛ چ دهم، تهران: نشر سمت.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر المیزان؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱ ش)؛ احتجاج؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲ ش)؛ مجمع البحرین؛ تحقیق: سیداحمد حسینی؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- فخر رازی، ابوعبدالله محمد (۱۴۱۵ ق)؛ اساس التقدیس؛ بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)؛ العین، ترتیب کتاب العین؛ تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای؛ قم: اسوه.
- قفاری، ناصر بن عبدالله (۱۴۲۲ ق)؛ اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه؛ قم: نشر جامعه آل البيت (ع).
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ ش)؛ تفسیر القمی؛ قم: دار الکتاب.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ ش)؛ رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)؛ تحقیق: مهدی رجایی؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)؛ الکافی؛ تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۸۷ ش)؛ فرهنگ فرق ومذاهب اسلامی؛ چ ششم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

References

- The Quran.
- Asad, Ḥaydar. 1378 Sh. *Al-Imām al-Ṣādiq wa-l-madhāhib al-arbaʿa*. Tehran: Sadr Library.
- Ashʿarī, Abū al-Ḥasan al-. 1400 AH. *Maqālāt al-Islāmiyyīn wa-ikhtilāf al-muṣallīn*. Germany: Franz Steiner Publications.
- Baghdādī, ʿAbd al-Qāhir b. Ṭāhir b. Muḥammad al-. 1388 Sh. *Al-Farq bayn al-firaq*. Qom: Eshraghi Publications.
- Bayhaqī, Abū Bakr Aḥmad b. al-Ḥusayn al-. 1426 AH. *Al-Asmāʾ wa-l-ṣiḡāt*. Beirut: Dār al-Jayl.
- Fakhr al-Rāzī, Abū ʿAbd Allāh Muḥammad. 1415 AH. *Asās al-taqdīs*. Beirut: Muʿassasat al-Kutub al-Thiqāfiyya.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad al-. 1414 AH. *Al-ʿAyn, tartīb kitāb al-ʿayn*. Edited by Maḥdī al-Makhzūmī and Ibrāhīm al-Samarrāyī. Qom: Osveh.

- Group of authors. 1415 AH. *Sharḥ muṣṭalahāt kalāmīyya*. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Ḥasan Ibrāhīm, Ḥasan. 1389 Sh. *Tārīkh-i siyāsī-yi Islām*. Tehran: Javidan Islam.
- Ḥuwayzī, ‘Abd ‘Alī b. Jum‘a al-. 1370 Sh. *Tafsīr nūr al-thaqalayn*. Edited by Seyed Hashem Rasouli Mahallati. Qom: Ismailian Institute.
- Ibn Athīr, ‘Alī b. Muḥammad. 1385 AH. *Al-Kāmil fī al-tārīkh*. Beirut: Dār Ṣādir.
- Ibn Jawzī, Abū al-Faraj. 1418 AH. *Al-Muntazam min tārīkh al-mulūk wa-l-umam*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār al-Fikr li-l-Ṭibā‘a wa-l-Nashr.
- Jawharī, Ismā‘īl b. Ḥammād al-. 1410 AH. *Al-Ṣiḥāḥ tāj al-luḡa wa-ṣiḥāḥ al-‘Arabiyya*. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn.
- Kashshī, Muḥammad b. ‘Umar al-. 1363 Sh. *Rijāl al-Kashshī (ikhtiyār ma‘rifat al-rijāl)*. Edited by Mahdi Rajai. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Khatami, Ahmad. 1370 Sh. *Farhang-i ‘ilm-i kalām*. Tehran: Saba.
- Khaṭīb al-Baghdādī, Aḥmad b. ‘Alī al-. 1417 AH. *Tārīkh Baghdād*. Edited by Muṣṭafā ‘Abd al-Qādir ‘Aṭā. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 AH. *Biḥār al-anwār*. Beirut: Dār Ihya‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Mashkour, Mohammad Javad. 1387 Sh. *Farhang-i firaq va mazāhib-i Islāmī*. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Qifārī, Nāṣir b. ‘Abd Allāh al-. 1422 AH. *Uṣūl madhhab al-Shī‘at al-Imāmiyyat al-Ithnā‘ashariyya*. Qom: Nashr Jāmi‘a Āl al-Bayt.
- Qummī, ‘Alī b. Ibrāhīm al-. 1367 Sh. *Tafsīr al-Qummī*. Qom: Dār al-Kitāb.
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1412 AH. *Mufradāt al-fāz al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Qalam.
- Saberi, Hossein. 1395 Sh. *Tārīkh-i firaq-i Islāmī*. Tehran: SAMT.
- Shahrestānī, Muḥammad b. ‘Abd al-Karīm al-. 1364 Sh. *Al-Milal wa-l-niḥal*. Edited by Badran Muḥammad. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.
- Shaykh al-Ṣadūq, Ibn Bābawayh Muḥammad b. ‘Alī al-. 1362 Sh. *Al-Khiṣāl*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.

Shaykh al-Ṣadūq, Ibn Bābawayh Muḥammad b. ‘Alī al-. 1416 AH. *Al-Tawḥīd*. Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers.

Shaykh al-Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1384 Sh. *Ikhtiyār ma‘rifat al-rijāl*. Mashhad: University of Mashhad Press.

Sobhani, Jafar. 1386 Sh. *Sīmāyi ‘aqāyid-i Shī‘a*. Qom: Mash‘ar Publications.

Ṭabarsī, Aḥmad b. ‘Alī al-. 1381 Sh. *Al-Iḥtijāj*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.

Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1374 Sh. *Tafsīr al-mīzān*. Qom: Society of Seminary Teachers.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn al-. 1362 Sh. *Majma‘ al-baḥrayn*. Edited by Seyed Ahmad Hosseini. Tehran: Mortazavi Bookstore.

Zamakhsharī, Jār Allāh al-. 1369 Sh. *Rabī‘ al-abrār*. Qom: Offset.